



اسرار شهادت امام حسین علیه السلام از قرآن کریم - قسمت چهارم

در قسمت های گذشته از سلسله مطالب شرح آیه 15 سوره احقاف، مسلم شد که تنها مصداق این آیه شریفه حضرت سید الشهداء علیه السلام است و به بعضی از معانی آن اشاره کردیم.

در ادامه آیه امام حسین علیه السلام به خداوند میفرماید: **قال رب أوزعني أن أشكر نعمتك التي أنعمت علي و علي والدي.** یعنی: پروردگارا! مرا توفیق ده (یا به معانی دیگر کلمه ألهمنی، رغّبني، اجعلنی یعنی به من الهام کن، در من رغبت و علاقه ایجاد کن، مرا قرار بده) تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی بجا آورم.

حال نعمت هایی که خداوند به سید الشهداء و والدین ایشان علیهم السلام داده را تنها خود میدانند که چیست، و ما تنها بعضی و ظاهری از آن را میفهمیم که به آن اشاره میکنم.

بعضی از این نعمات و فضایل ایشان با والدین ایشان و سایر ائمه علیهم السلام مشترک است مانند امامت و عصمت و طهارت و علم و قدرت و امثال آن. اما بعضی از خصایص است که مختص سید الشهداء علیهم السلام میباشد، که البته همان موارد هم با یک واسطه باز برای والدین ایشان و حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله صادق است، چرا که خود میفرماید حسین منی و انا من حسین و همچنین در شریعت است که فرزند و دارایی او مال والدین او است، و طاعت فرزند از برای خدا طاعت والدین است.

اما بعض خصایص و نعمات سید الشهداء علیه السلام که خداوند به عوض خضوع ایشان و فدا کردن جمیع مایملک خود در راه خداوند به ایشان عطا نموده و احدی در آن شریک نیست عبارت است از:

1- نسب

سید الشهداء علیه السلام چنان اقربائی داشت که در جمیع خلق، جمع چنین نسبت هایی برای هیچکس میسر نشده و نخواهد شد.

آن حضرت جدی مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله و پدری مانند امیرالمؤمنین علیه السلام و مادری مانند فاطمه زهرا سلام الله علیها و برادری مانند امام حسن مجتبی علیه السلام داشتند، و احدی مانند ایشان چنین شرافتی نداشت و این حسب و نسب و شرافت امری است که خداوند عالم مخصوص به آن بزرگوار فرموده است، حتی امام حسن علیه السلام هم برادری مانند خود نداشتند زیرا مقام ایشان از سید الشهداء علیه السلام برتر است.

از این جهت بود که در روز عاشورا به شمشسر خود تکیه داده و فرمود **انشدکم الله هل تعرفونی قالوا نعم انت ابن رسول الله و سبطه قال انشدکم الله هل تعلمون ان جدی رسول الله صلی الله علیه و اله قالوا اللهم نعم قال انشدکم الله هل تعلمون ان امی فاطمه بنت محمد قالوا اللهم نعم قال انشدکم الله هل تعلمون ان ابی علی بن ابی طالب الی اخر...** یعنی شما را به خدا می خوانم آیا نمی دانید جد من رسول خدا است؟ آیا نمی دانید مادرم فاطمه زهرا است، پدرم علی مرتضی است؟

تا اینکه در جواب گفتند **قد علمنا ذلک کله و نحن غیر تارکیک حتی تذوق الموت عطشانا** یعنی چرا همه آنچه که گفتی را می دانیم اما تو را رها نمیکنیم تا مرگ را بچشی در حالی که عطشان باشی، و چون می دانستند و او را شهید کردند اینطور بنی امیه رسوا شدند. به جهت اینکه این نسبی نیست که کسی متعرض ایشان شود، آن هم به اینطور...

2- نسل

نسل و ذریه آن بزرگوار نیز از نعمات خاصی است که به ایشان عطا شد و دعای خاص برای این نعمت نموده اند، چنانکه در آخر آیه میفرماید **و اصلح لی فی ذریتی** و به این دعا بود که ائمه علیهم السلام از نسل ایشان شدند. (شرح کامل تر از فقره را در قسمت های بعد مینویسم).

3- زمین کربلا

از جمله فضیلت هایی که خداوند سید الشهداء علیه السلام را به آن ممتاز کرده، شرافتی است که به مقتل و مدفن ایشان داده است.

و این زمینی بود که خداوند از تمامی زمین ها برگزید و آن را ابو القری قرار داد و بیست و چهار هزار سال قبل از همه زمینها خلق کرد و وارد شده روز قیامت زمین کربلا را با هر آنچه در اوست بر می دارند و به همان طور که هست بالا برده و در اعلی درجات بهشت می گذارند.

مرحوم حاج محمد کریم خان کرمانی اع در بعض خواص این زمین شریف میفرماید:

از جمله خواص این زمین آن است که هر کس در این زمین دفن شود سوال نکیرین از او نمی‌شود و ملائکه نقاله او را از آنجا بیرون نمی‌برند و عذاب بر او نازل نمی‌شود. و چگونه عذاب بر او نازل شود؟ این سلاطین ظاهری سرطویه خود را بست قرار می‌دهند، مقصر پناه به کمند آنها می‌برد، دیگر کسی او را کاری ندارد و اگر هم تقصیر عظیمی کرده باشد نهایت می‌آیند و می‌نشینند امر او را به طور خوشی می‌گذرانند.

آیا سرطویه سلاطین این طور بست است و هر که برود ایمن است و کربلا آن خاک پاک که از طینت پاک حسین است، بست خدا نیست؟ حاشا. این بست خدا است و کسی را از این بست بیرون نمی‌برند. بلکه عرض می‌کنم که اگر شخص وصیت کند که او را به کربلا ببرند و او را نبرند، باز هم سوال منکر و نکیر ندارد چرا که او پناه برده، نهایت دیگران در حق او تقصیر کرده اند. بلکه عرض می‌کنم که اگر در دل داشته که وصیت کند که او را به کربلا ببرند و به واسطه مرضی مانع پیدا شد که وصیت نکرد، همینکه در دل او بوده باز سوال نکیرین ندارد و احوال قبر ندارد به جهت آنکه آن بیچاره که تقصیری ندارد پناه برده نهایت مانع پیدا شده.

یک وقتی سید مرحوم اعلی الله مقامه فرمایش می‌فرمودند که شخص ثقه ای نقل می‌کرد که در صحن مقدس سیدالشهدا علیه السلام در بالاخانه ها منزل داشتم. در آنجا نصف شب بیدار شدم دیدم جمعی چراغی دارند، جمعیت کرده اند و آمده اند گرد قبری را گرفته اند. من تماشا می‌کردم، خاک را شکافتند و مرده ای را بیرون آوردند و چیزی به پایش بستند و او را کشان کشان می‌بردند تا اینکه او را بردند نزدیک باب السدر و می‌خواستند که از آنجا او را بیرون ببرند. آن میت روی خود را کرد به جانب ابی عبدالله و عرض کرد یا ابا عبد الله، آیا اینطور می‌گذاری کسی که پناه به تو آورده از نزد تو ببرند؟ صدایی از قبر مطهر برآمد که خلوه یعنی او را واگذارید.

باری از جمله خواص این زمین مطهر این است که خداوند خوردن هر خاکی را حرام کرده است. حتی خوردن خاک قبر پیغمبر را حرام کرده است و خوردن خاک قبر امیرالمومنین حرام است، خوردن خاک قبر هر یک از ائمه حرام است و خداوند خاک این زمین را، این تربت مطهر را قرار داده شفای از هر دردی، امان از هر خوفی، علم از هر جهلی، غنای از هر فقری، عزت از هر ذلتی و او را عجب اکسیر اعظمی قرار داده است که هر کس هر دردی داشته باشد، هر مرضی داشته باشد، به هر بلائی مبتلا باشد، به هر ورطه‌ای گرفتار شود، همینکه توسل به تربت آن جناب جست از آن بلا نجات می‌یابد. و ببین که سجده را که اقرب حالاتست به خداوند عالم بر تربت آن بزرگوار قرار داده.

و تمامی این خواص از آن جهت است که با اسب دواندن بر بدن شریف آن حضرت، این خاک را با گوشت و خون شریف ایشان ممزوج کردند و این بوی عطری که تربت کربلا دارد بوی گوشت و خون اطهر سید الشهداء است.

4- ایام فضیلت زیارت

از فضیلت های خاص سید الشهداء صلوات الله علیه این است که هر روزی که خداوند در آن کرامت و شرافتی قرار داده و عظمتی از عظمت های خداوند در آن روز جلوه کرده و رحمتی از رحمت های خدا در آن

روز شامل حال خلق شده، آن روز را خداوند منسوب به سیدالشهدا علیه السلام نموده است، اگرچه در ظاهر به شخص دیگری مربوط باشد. که از آن جمله است ولادت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله ، عید غدیر ، روز مبعث و روز جمعه و امثال آن که در همه، زیارت امام حسین علیه السلام مستحب است و این به آن جهت است که این بزرگوار جلوه گاه و مظهر خدا است و در ایام الله باید به زیارت ایشان رفت.

5- ثواب زیارت

از جمله نعمت هایی که خداوند به اباعبدالله علیه السلام عنایت کرده اجر و ثوابی بیشتر از هزار حج مقبول و هزار روزه و هزار بنده آزاد کردن و هزار جنگ همراه با پیامبر یا امام است که به زائر ایشان عطا میشود، چنانکه در قیامت همه آرزو می کنند از زوار امام حسین علیه السلام باشند چرا که هم نشین رسول خدا و ائمه طاهرين عليهم السلام خواهند شد.

برخی از خواص زیارت سید الشهداء علیه السلام برای زوار او این است که، تمام طول سفر از عمر زائر حساب نمیشود بلکه عمر را طولانی می نماید و به هر درمی ده هزار درهم در دنیا و آخرت به او عوض می دهند و هر يك قدم که با پای پیاده بردارد موجب هزار حسنه و آمرزش هزار گناه و بالا رفتن هزار درجه ، برای زائر می شود.

همچنین دعای زائر تحت قبه سید الشهداء علیه السلام مستجاب میشود و روزی او را زیاد میکند و گناهان گذشته و آینده او آمرزیده میشود و ملائکه برای او دعا میکنند و شهید میمیرد بلکه ثواب هزار شهید را دارد. و آنچه گفتم گوشه ای از اجر و ثواب زیارت آن حضرت است.

6- سلطنت بعد از ظهور

از جمله نعمت های آن حضرت سلطنتی 50 هزار ساله است که پس از به شهادت رسیدن امام زمان عجل الله فرجه شروع میشود و وارد شده آنقدر پیر میشوند که مجبور به بستن ابروهای خود خواهند بود.

و از دیگر مقامات خاص آن حضرت مقام ابوعبداللهی و سید الشهداءی است که به آن پدر جمیع بندگان خدا و آقای جمیع شهیدان شدند که توضیح آن پیش از این گذشت، و بعض موارد دیگر هم هست که به قسمت های بعد و در ذیل فقرات بعدی آیه ذکر میکنم و بیش از این اطاله کلام در این مطلب موجب خستگی بنده و خوانند است.

أعظم الله أجورنا بمصابنا بالحسين، و جعلنا و إياكم من الطالبين بثاره مع وليه الامام المهدي (عج)
من آل محمد عليهم السلام